



Curious Baby Elephant

Judith Baker

Wiehan de Jager

English



فیل کوچک و کنجکاو

فیل‌ها زمانی بینی‌های کوتاه داشتند، اما فیل کوچک و کنجکاو کاری کرد که اکنون فیل‌ها خرطوم‌های دراز دارند.



Curious Baby Elephant

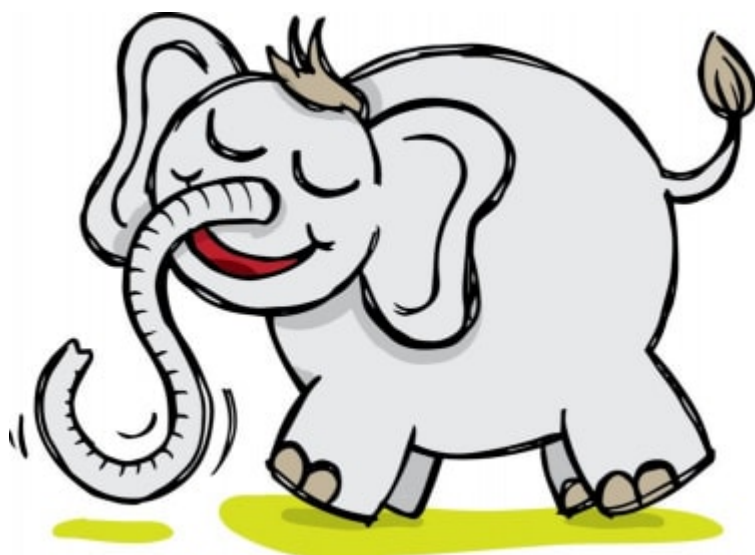
Judith Baker

Wiehan de Jager

English



فیل کوچک و کنجکاو (فارسی)
نویسنده‌ها: جودیت بیکر و ویان دی جاگر
بوک دش
برگردان: کتاب‌خانه‌ی درخت دانش
برگرداننده به فارسی: سنجر سهیل



همه می‌دانند که فیل‌ها خطرهای درازی دارند.



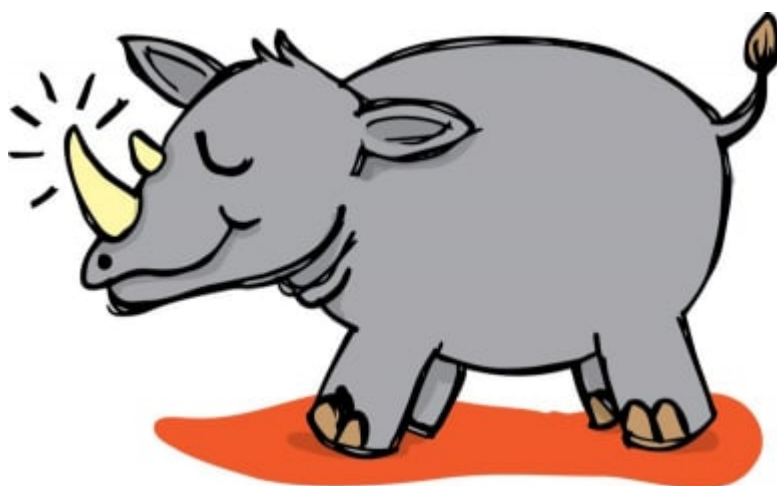
خیلی وقت پیش، بینی فیل‌ها کوتاه و چاق بود. مثل این به نظر می‌آمد که در جای بینی فیل یک بوت است.



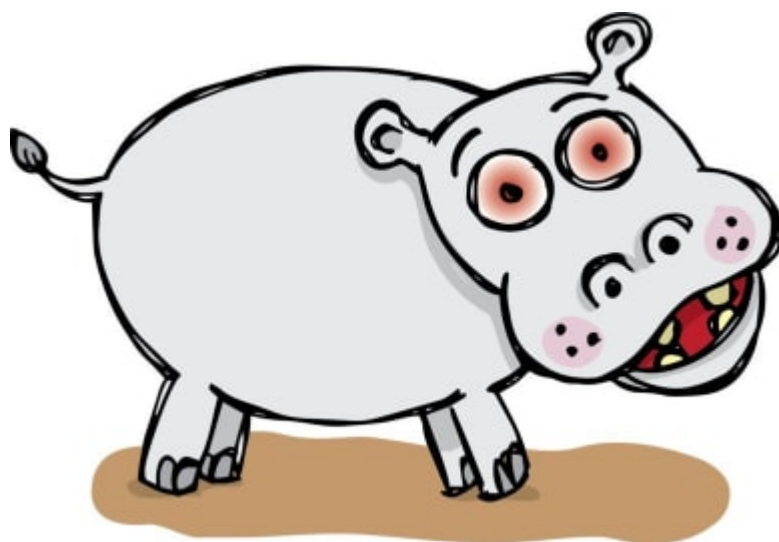
یک روز فیل کوچک به دنیا آمد. او در مورد همه چیز کنجکاو بود. او در مورد هر حیوانی یک پرسش داشت.



او در مورد زرافه نیز کنجکاو بود.
فیل کوچک یک روز از زرافه پرسید، "چرا تو گردن دراز داری؟"



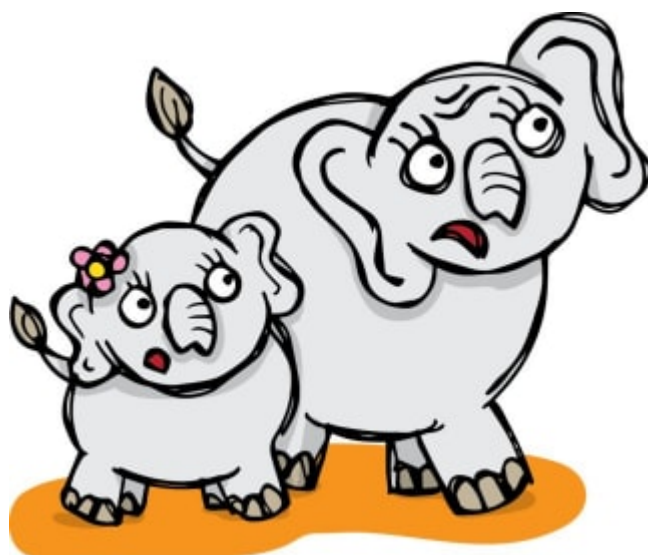
فیل کوچک در مورد کرگدن نیز کنجکاو بود.
او می‌پرسید، "چرا این شاخ روی بینیات کوتاه و تیز است؟"



او در مورد اسب بحری نیز کنجکاو بود.
او از هیولا پرسید، "چرا چشم‌هایت سرخ است؟"



او در مورد تمساح نیز بسیار کنجکاو بود.
او از تمساح پرسید، "تمساح برای غذای شب چه دارد؟"



مادرش یک روز به فیل کوچک گفته، "هیچ وقت این گونه سوال نپرس." بعد از گفتن این حرف، خشمناک دور می شود.



زاغ به سمت فیل کوچک پرواز کرد.
به او گفته، "مرا به سمت دریا دنبال کن." سپس، زاغ قاه قاه کنان ادامه داد، "آن جا می توانی
بینی که تمساح برای نان شب چه می خورد."



فیل کوچک مسیر زاغ را به سمت دریا دنبال کرد.



فیل کوچک قمیش‌ها/بوته‌های ساحل دریا را کنارزد و همان‌جا ایستاد. او به داخل آب نگاه کرد. تمساح کجا می‌تواند باشد؟



یک سنگ در نزدیکی ساحل دریا می‌گوید، "سلام"
فیل کوچک نیز سلام می‌گوید و می‌پرسد. "می‌توانی بگویی که تمساح امشب چه خورد؟"



سنگ به فیل کوچک می‌کند، "خودت را خم کن من برایت می‌گویم. کمی بیشتر، بیشتر." فیل کوچک خودش را خم می‌کند و بیشتر خم می‌کند.



ناگهان بینی فیل کوچک را تمساح با دندان‌هایش می‌کند.
زاغ در حالی که پر زده دور می‌شود، می‌گوید، "تمساح امشب تو را می‌خورد."



فیل کوچک بر روی پاهای قوی خود می‌نشیند و خودش را عقب می‌کشد.
عقب می‌کشد و عقب می‌کشد. تمساح اما بینی فیل کوچک را رها نمی‌کند.



بینی فیل کوچک دراز و درازتر می شود. بعد ناگهان رها می شود و به پشت می افتد.



تمساح نیز به پشت در آب می‌افتد. نزدیک شده بود، اما حالا غذای شبش را از دست داده است.



فیل کوچک به بینی خود می‌نگرد. بسیار دراز شده است. حتا نمی‌تواند آخر خرطومش را ببیند.



خرطوم فیل کوچک آن قدر دراز می شود که او را قادر می سازد از شاخه های بلند درختان نیز میوه بچیند.



خرطومش آن قدر دراز می شود که او می تواند با آن بر پشت خود آب بپاشد. از همان روز به بعد همه فیل ها صاحب خرطوم های دراز و سودمند شدند.

You are free to download, copy, translate or adapt this story and use the illustrations as long as you attribute in the following way:

Judith Baker and Lorato Trok

Author -

Judith Baker and Lorato Trok

Illustration -

Wiehan de Jager

Language -

English

Level -

First sentences

© African Storybook Initiative 2014

Creative Commons: Attribution 4.0

Source

www.africanstorybook.org

پایان

